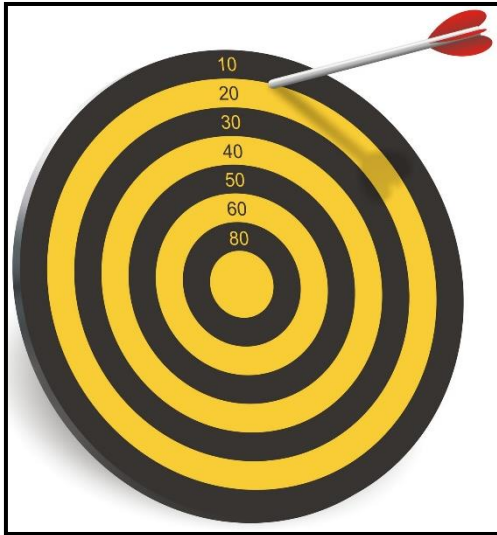


کامل باشید همانطور که پدر آسمانی شما کامل است (متی ۵:۴۸)



خدمات عیسی را می توان به ۴ قسمت تعلیم کلام خدا ، موعظه پیغام خوش انجیل ، شفای بیماران و اخراج ارواح پلید تقسیم کرد. امروز می خواهیم در مورد آن تعلیم آسمانی مسیح که ما را بسوی تشبه به او و پدر آسمانیمان خدا می برد صحبت کنیم. قسمتی را که انتخاب کرده ام باب ۵ متی از سخنان مسیح از موعظه بالای کوه (متی ۵-۷) می باشد.

امروزه ما به دنبال اشخاصی می گردیم که از ما تعریف کنند و به ما بگویند خوشابحالتان! ولی خوشابحال کسانی که نه انسانها بلکه خدا به او می گوید :
"خوشابحالت"

بینیم مسیح به چه کسانی خوشابحال می گوید. آیا می خواهیم خدا به ما بگوید "خوشابحالتان" ؟ پس بر طبق خواسته های او زندگی کنید.

خوشابحال آنان که نیاز خود را به خدا احساس می کنند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است . احساس نیاز به خدا یا تشنگی برای خدا و احساس فقر روحانی کردن است که ما را بسوی خدا ، دعا کردن ، کتاب مقدس خواندن و کلیسا آمدن تشویق می کند . من در سالهای اولیه زندگی ایمانیم ساعتها انجیل می خواندم و به هر جایکه کلام خدا موعظه می شد می رفتم تا کلام خدا را بشنوم و ایمان دارم که این تشنگی روزهای اول ایمانم بود که باعث شد خداوند زندگی را برکت دهد و دگرگون سازد و در زندگی کارهای عظیم بکند. کسانی که نیازی به خدا احساس نمی کنند هرگز وارد ملکوت خدا نخواهند شد. امروز به خدا بگویید که به او محتاجید.

خوشابحال ماتم زدگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت .

امروزه دنیا و حتی مسیحیان همه را تشویق می کنند که شاد باشند ولی چرا مسیح از غم صحبت می کند . البته مسیحیت با شادی واقعی و کتاب مقدسی نه تنها مخالف نیست بلکه آنرا تشویق نیز می کند ولی زمانی است برای شادی و زمانی برای غم (جامعه ۳:۴).

ما باید برای گناهانمان ماتم بگیریم (یعقوب ۴:۹) ، چون بدون این ماتم توبه ما عمیق نخواهد بود. ما باید در مشکلات و غمهای مردم سهیم باشیم. هر روزه حدود ۲۰۰ هزار انسان در دنیا می میرد ، چه کسی باید خانواده های آنها را تسلی دهد ؟ تنها مسیحیانی می توانند ماتمیان را تسلی دهند که خود را شریک دردهای آنها می دانند (دوم قرنیتیان ۱:۴). امروز در کمتر جلسات کلیسایی اشک می بینیم در حالیکه ما دوست دارند شادی کنند ! امروز کمتر ایماندارانی را می بینیم که برای

^۱ همسرم در جلسه پرستشی که خدا را شکر می کردند ، درحالیکه بخاطر محبت مسیح اشک می ریخت از من پرسید : "چطور مردم می توانند خدا را بپرستند ، درحالیکه از محبت او اشک از چشمانشان سرازیر نمی شود؟!"

گناهکاران و مشکلات مردم در قلبش درد عظیم داشته باشد. خوشبحال چنین افرادی ، زیرا از خدا تسلی خواهند یافت. یکی از دلایلی که کشیشان کلیساهای ارتودکس و رسولی لباس مشکی می پوشند این است که برای دنیای گناهکار و دردمند غمگینند و خود را از زرق و برق دنیا جدا کرده اند و همانطور که هر قشری مثل پلیس ها ، پزشکان و ورزشکاران لباس خاص خود را دارند ، هیچ اشکالی ندارد که خادمین خدا هم با لباس خاصی شناخته شوند، اگرچه همه می دانیم که باطن از ظاهر مهمتر است.

خوشبحال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت.

مادر ترزا میگوید "فروتن کسی است که نه از تعریف دیگران به خود می بالد و نه از انتقاد دیگران خود را می بازد ، چون نظر خدا در مورد او مهم است نه مردم" .

فروتنی را نمی توان از ظاهر مردم فهمید ، فروتنی حالتی در قلب است . آدم فروتن خودخواه نیست و از خود تعریف نمی کند و خود محور نیست . آدم فروتن در معاشرت با آدمهای با فرهنگ و با کلاس و بی فرهنگ و پست از نظر مردم ، یکسان رفتار می کند .

از دست آدم فروتن معمولا مردم ناراحت نمی شوند.

در حالیکه امروز جنگ بر روی قدرت قرار دارد تا مردم مالک دنیا گردند ولی مسیح مالکیت جهان را به فروتنان قول داده است!

خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد.

دنیای که در آن زندگی می کنیم پر از بی عدالتها است ، دولتها و انسانهای قوی بر دولتها و انسانهای ضعیف زور می گویند. بی عدالتی که در دنیا است از نتایج گناه اولیه و تداوم گناه در زندگی روزمره می باشد و عدالت نهایی زمانی برقرار می گردد که آفتاب عدالت (مسیح خداوند) (ملاکی ۴:۲) ظهور کند. ولی ما مسیحیان موظفیم در این جهان نیز برای برقرای عدالت بکوشیم (متی ۶:۳۳) و حداقل خودمان در زندگیمان عدالت را برقرار کنیم. عدالت جنبه شخصی نیز دارد که ما یوسیله خون مسیح و ایمان به او عادل می شویم. (رومیان ۱:۱۷)

خوشبحال آنان که مهربان و باگذشتند، زیرا از دیگران گذشت خواهند دید.

مهربانی و گذشت امروزه نایاب شده و ما مسیحیان موظفیم که چون خدا با ما مهربان رفتار کرده و از گناهانمان گذشته است ، ما نیز نسبت به دیگران مهربان و با گذشت باشیم.

ما باید مخصوصا نسبت به فقیران ، یتیمان ، ضعیفان ، نیازمندان ، سوگواران و مریضان و ... مهربانانه رفتار کنیم.

اگر می خواهیم خدا ما را ببخشد ، ما هم باید دیگران را ببخشیم. (متی ۶:۱۴)

امروزه انسانهای زیادی در دنیا وجود دارند که از مهربانی محروم شده اند و ما موظفیم محبت خدا را با مهربانی خود به آنها نشان دهیم.

خوشبحال پاک دلان، زیرا خدا را خواهند دید .

ما انسانها معمولاً به ظاهر نگاه می‌کنیم و مردم را مورد قضاوت قرار می‌دهیم، ولی خدا به قلب انسانها می‌نگرد (اول سموئیل ۱۶:۷) و او همه چیز را در مورد ما می‌داند. خدا کسانی را که قلبشان پاک است را خیلی دوست دارد. برای اینکه قلبمان را پاک کنیم، باید از گناهان خود توبه کنیم و دعا کنیم و کلام خدا را بخوانیم و در زندگی‌هایمان عملی کنیم و از گناه و چیزهای قبیح که خداوندمان را ناراحت می‌سازد، دوری کنیم. اگر می‌خواهیم خدا را ببینیم باید زندگی مقدسی داشته باشیم. (عبرانیان ۱۲:۱۴)

در مسیحیت هم قلب هست، هم فکر و هم احساسات. مسیح تمامیت خود را روی صلیب فدا کرد تا تمامیت ما مال مسیح شود.

خوشابحال آنان که برای برقراری صلح در میان مردم کوشش می‌کنند، زیرا ایشان فرزندان خدا نامیده خواهند شد.

دنیای که در آن زندگی می‌کنیم پر از جنگ و دعوا است. ما برای تحقق شهوات دلمان در حال جنگیم (یعقوب ۴:۲). ولی خدا می‌خواهد فرزندان پیام آوران صلح در دنیا باشند (دوم قرنتیان ۵:۲۰)، صلح بین خدا و انسان (رومیان ۵:۱۰) و صلح بین انسانها (افسیسیان ۲:۲۶).

کشیش کلیسایی ما می‌گوید "دو نفر که باهم می‌جنگند هر دو احمقند، چون اگر کسی حکیم باشد هرگز جنگ نخواهد کرد" همچنین ما بعنوان فرزندان خدا موظفیم برای برقراری صلح و آرامش در دنیا نیز دعا کنیم.

خوشابحال آنان که به سبب نیک کردار بودن آزار می‌بینند، زیرا ایشان از برکات ملکوت آسمان بهره مند خواهند شد. هرگاه بخاطر من شما را ناسزا گفته، آزار رسانند و به شما تهمت زنند، شاد باشید. بلی، خوشی و شادی نمایید، زیرا در آسمان پاداشی بزرگ در انتظار شماست. بدانید که با پیامبران گذشته نیز چنین کردند.

مسیح گفت "بدون دلیل از من نفرت دارند" (یوحنا ۱۵:۱۸) و "چون از من نفرت داشتند، از شما نیز نفرت خواهند داشت" (لوقا ۲۱:۱۷). دنیا چون کارهایش بد است و حضور و حرفهای ما باعث می‌شود آنها این را بفهمند، از نور و ما متنفر می‌گردند. ولی خوشحال باشید هر موقع مردم شما را مسخره می‌کنند و به جمع خود راه نمی‌دهند و یا هر سخن دروغی را به شما می‌گویند. بدانید که با شما نیز مثل پیامبران رفتار می‌شود و پاداشی بزرگ در انتظار شماست. به این امید که این خوشابحالها نصیب ما و همه ایمانداران گردد.

شما نمک جهان هستید و به آن طعم می‌بخشید. اما اگر شما نیز طعم خود را از دست دهید، وضع جهان چه خواهد شد؟ در اینصورت، شما را همچون نمکی بی‌مصرف دور انداخته، پایمال خواهند ساخت. مسیح ما را به نمک تشبیه می‌کند. نمک دو خاصیت و کاربرد مهم دارد.

۱- به غذا طعم می‌دهد.

۲- از فساد جلوگیری می‌کند.

حتی خوشمزه ترین غذاها بدون نمک بی‌مزه و قابل خوردن نیستند، همینطور دنیا نیز بدون حضور فرزندان خدا و کلیسا

برای خدا قابل تحمل نیست . چون دنیا در ناطاعتی از خدا زندگی می کند و ما باید مثل نمک با حضورمان در دنیا بر آن تاثیر بگذاریم.

نمک همچنین جلوی فساد را می گیرد . در دنیای امروز فساد با سرعت سرسام آوری در حال رشد است و تنها مسیحیان واقعی هستند که با زندگی مقدس خود می توانند مانع رشد این فساد گردند (مکاشفه ۱۱:۲۲). اگر ما طعم و خاصیت فساد زدایی خود را از دست بدهیم واقعا دیگر ببرد نمی خوریم. دعا کنیم که خداوند ما را مثل نمک موثر گرداند.

شما نور جهان می باشید . شما همچون شهری هستید که بر تپه‌ای بنا شده و در شب می درخشد و همه آن را می بینند . چراغ را روشن نمی کنند تا آنرا زیر کاسه بگذارند، بلکه روی چراغدان، تا کسانی که در خانه هستند از نورش استفاده کنند . پس نور خود را پنهان مسازید، بلکه بگذارید نور شما بر مردم بتابد، تا کارهای نیک شما را دیده، پدر آسمانی تان را تمجید کنند .

عیسی گفت : "من نور عالم هستم ، هر کس از من پیروی کند در ظلمت ساکن نشود بلکه نور حیات را یابد." (یوحنا ۱:۸) و خیلی با شکوه است که عیسی به ما نیز می گوید "شما نیز نور عالم هستید" آیا ما به خودمان به عنوان نور عالم نگاه می کنیم!؟

ما نه فقط نوری در خانه ، محل کار ، کلیسا و اطرافیان هستیم ، بلکه نوری برای کشور و ملت خود و برای کل عالم باید باشیم. نور تاریکها را روشن می سازد. ما نیز باید با حضور و زندگی و حرفهایمان در قلب تاریکی گناه ، نور نجات ، امید و حیات تازه را روشن کنیم.

یک شمع کوچک می تواند محیط تاریک بزرگی را روشن سازد و هر یک از ما به عنوان شمعهای کوچک در محیط اطراف خود هستیم .

نور می تواند راه را به مردم نشان دهد. در تاریکی مردم نمی دانند به کدام سو باید بروند ولی وقتی نور مسیح بر مردم بتابد همگی بسوی یگانه راه نجات و راستی (عیسی مسیح) (یوحنا ۶:۱۴) گام بر می دارند.

نور خود را مخفی نسازیم ، بگذاریم دیگران کار خدا را در ما ببینند. شهادت زندگی خود را به دیگران بگوییم ، دعاها را که خدا جواب داده به دیگران بگوییم تا بوسیله همه اینها پدر آسمانیمان جلال یابد و همه دنیا پدر ما خالق جهان را بپرستند.

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیاء را منسوخ کنم . من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم . براستی به شما می گویم که از میان احکام تورات، هر آنچه که باید عملی شود، یقیناً همه یک به یک عملی خواهند شد . پس اگر کسی از کوچکترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچکتر خواهد بود . اما هر که احکام خدا را اطاعت نماید و دیگران را نیز تشویق به اطاعت کند، در ملکوت آسمان بزرگ خواهد بود . این را نیز بگوییم که تا شما بهتر از علما و پیشوایان دین یهود نشوید، محال است بتوانید وارد ملکوت آسمان گردید .

شریعت آن چیزی بود که خدا از انسان می خواست ولی انسان با ناطاعتی از آن برای خود لعنت و جهنم را به ارمغان آورد ، بنابراین مسیح آمد تا شریعت را کامل نماید (نه آنکه نابود کند و یا تغییر دهد) مسیح زیر شریعت متولد شد و با اجرا و اطاعت

کامل از شریعت با مرگ و خون خود عهدی با ما بست و این عهد، عهد جدید و این راه، راه فیض و ایمان است که تمام کسانی که به مسیح ایمان می آورند فرزندان خدا می گردند و بوسیله روح القدس قوت می یابند تا زندگی خداپسندانه مسیحی داشته باشند.

تکمیل شریعت در محبت نسبت به خدا، خود و دیگران نهفته است و ما باید در محبت از علما و پیشوایان دینی یهود پیشی بگیریم تا شایسته ورود به ملکوت خدا باشیم.

گفته شده است که هر کس مرتکب قتل شود، محکوم به مرگ می باشد. اما من می گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی، باید تو را محاکمه کرد؛ و اگر برادر خود را ابله خطاب کنی، باید تو را به دادگاه برد؛ و اگر به دوستت ناسزا گویی، سزایت آتش جهنم می باشد. پس اگر نذری داری و می خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی، و همان لحظه بیادت آید که دوستت از تو رنجیده است، گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن؛ آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن. هرگاه کسی از تو شکایت کند و تو را به دادگاه ببرد، کوشش کن پیش از آنکه به دادگاه برسید و قاضی تو را به زندان بیندازد، با شاکی صلح کنی؛ و گر نه، در زندان خواهی ماند و تا دینار آخر را نپرداخته باشی، بیرون نخواهی آمد.

مسیح در این سری احکامش "گفته شده است ... اما من می گویم" نشان داد که

۱- کلام او با کلام خدا برابر است پس او خداست.

۲- ما حتی اگر گناهی را انجام ندهیم ولی در قلب خود خواهان انجام آن باشیم گناهکار هستیم.

مسیح بر عکس تفکر خلیهها مسیحیت را نه فقط آسانتر از یهودیت ساخت بلکه قوانین اخلاقی آن را سخت تر کرد و معیار اخلاقی را تا حد کمالیت و تشبه به خدا بالا برد!

ما باید بدانیم برای هر حرفی که می زنیم (متی ۱۲:۳۶)، هر فکری که می کنیم و هر عملی که انجام می دهیم باید در مقابل تخت داوری خدا جواب بدهیم. حرفها، اعمال و فکرهای بد ما باعث می شود که دعاها ما شنیده نگردد.

وقتی ما در قلبمان می خواهیم کسی وجود نداشته باشد آیا این قتل نیست؟ وقتی به کسی توهین می کنیم، آیا باعث نایودی شخصیت او نمی گردیم و نفرت و عصبانیتی که از خود نشان می دهیم آیا از شیطان نشات گرفته نیست؟

اجازه دهیم خداوند قلب و زبان ما را تغییر دهد و فرزندان سازد که خود می خواهد.

کلام خدا می گوید "در خشم سست باشید زیرا خشم انسان عدالت خدا را انجام نمی دهد." (یعقوب ۱:۲۰) در موقع خشم با صبر و محبت مسیحی رفتار کنیم. تصمیمات عجولانه نگیریم چون شاید چیزهای را خراب کنیم که دیگر بنای آنها خیلی سخت و گاهی غیر ممکن باشد.

ما بعثت اینک خودخواه هستیم خشمگین می شویم ولی وقتی از محبت واقعی خدا پر گردیم با محبت عمل خواهیم کرد.

گفته شده است که زنا مکن. ولی من می گویم که اگر حتی با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده ای. پس، اگر چشمی که برایت اینقدر عزیز است، باعث می شود گناه کنی، آن را از

حدقه درآور و دور افکن. بهتر است بدنت ناقص باشد، تا این که تمام وجودت به جهنم بیفتد. و اگر دست راستت باعث می شود گناه کنی، آن را ببر و دور بینداز. بهتر است یک دست داشته باشی، تا اینکه با دو دست به جهنم بروی.

زنا امروزه و مخصوصا در قرن ۲۰ و ۲۱ برای بسیاری بتي شده است که بدون آن نمی توانند زندگی کنند! کتاب مقدس چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید زنا و انواع آن را بسختی محکوم و زناکار را در عهد عتیق شایسته سنگسار و در عهد جدید شایسته جهنم می داند.

هرگونه رابطه جنسی بجز رابطه جنسی در چارچوب ازدواج زنا است. ولی مسیح می گوید حتی نظر شهوت آلود که از فکر شهوت آلود می آید نیز زنا است. مسیحیت تماشای فیلمها و عکسهای مستهجن را گناه و زنا می داند. آیا با این وجود کسی می تواند ادعا کند که تا حالا هرگز فکر زنا آلودی نداشته است؟! ولی خدا را شکر که خدا می خواهد زناکاران هم توبه کنند و نجات یابند (اول قرن تیان ۱۱:۶). ما قدرت پیروزی بر افکار شریر و شیطانی را دارم (اول قرن تیان ۱۳:۱۰).

این افکار می آیند و این گناه نیست ولی وقتی ما این افکار را نمی رانیم و می پذیریم گناه شروع می شود. مسیح در اینجا از زبان استعاره استفاده می کند و نشان می دهد که نداشتن چشم و نداشتن دست بهتر است از اینکه با زنا به جهنم برویم. پس از زنا بگریزیم (اول قرن تیان ۱۸:۶) و چشمانمان را تقدیس کنیم و به هر آنچه زیباست بنگریم. اگر تا امروز در این مورد گناه کرده ایم حال توبه کنیم^۲ و از روح القدس بخواهیم به ما کمک کند تا زندگی مسیحی خداپسندانه ای داشته باشیم.

گفته شده است: «اگر کسی می خواهد از دست زنش خلاص شود، کافی است طلاقنامه ای بنویسد و به او بدهد. اما من می گویم هر که زن خود را بدون اینکه خیانتی از او دیده باشد، طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است زیرا باعث شده زنا کند؛ و مردی نیز که با این زن ازدواج کرده، زناکار است.» در مسیحیت طلاق، صیغه، تعدد زوجها، ازدواج موقت، رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج و باهم زندگی کردن بدون ازدواج رسمی در کلیسا، گناه است.

یک مرد با یک زن در کلیسا محبت و وفاداری خود را در حضور خدا، فامیل و آشنایان بهم اعلام می کنند و یک بدن می گردند تا با همدیگر تا آخر عمر زندگی کنند و باهم دیگر خدا را خدمت کنند. در کلیسای ما ازدواج جزء یکی از ۷ آئین یا رازهای کلیسایی است. آنچه خدا پیوست انسان حق ندارد جدا کند. (متی ۱۹:۶ و مرقس ۱۰:۹)

خدا به ما قبل از ازدواج اختیار کامل داده است تا با عقل خود و علاقه که داریم هر که را می خواهیم انتخاب کنیم ولی بعد از انتخاب دیگر بازگشتی وجود ندارد. خدا از طلاق^۳ متنفر است (ملاکی ۲:۱۶).

^۲ به نظر شخصی من: در گناه زنا، ما علاوه بر توبه نزد خدا، باید از شخصی که نسبت به او نیز زنا کرده ایم معذرت خواهی کرده و توبه و پشیمانی خود را با گریه ها به او اعلام کنیم و او را هم دعوت به توبه بکنیم. (البته در این مورد با شبانان مشورت کنید)

^۳ اگر شما طلاق گرفته اید و یا فرزند طلاق هستید، بدانید که خدا شما را دوست دارد و می تواند روح شما را بطور کامل شفا دهد و زندگی شما را دگرگون سازد، اگر همه زندگیتان را به طور کامل به او بسپارید.

البته موارد معدودی مثل زنای یکی از طرفین و سقط جنین بچه بدون اطلاع شوهر و ... وجود دارد که در این موارد کلیسا، اجازه طلاق را جایز می داند.

باز گفته شده که قسم دروغ نخور و هرگاه به نام خدا قسم یاد کنی، آن را وفا کن. اما من می گویم: هیچگاه قسم نخور، نه به آسمان که تخت خداست، و نه به زمین که پای انداز اوست، و نه به اورشلیم که شهر آن پادشاه بزرگ است؛ به هیچیک از اینها سوگند یاد نکن. به سر خود نیز قسم مخور، زیرا قادر نیستی مویی را سفید یا سیاه گردانی. فقط بگو: "بلی" یا "نه". همین کافی است. اما اگر برای سخنی که می گویی، قسم بخوری، نشان می دهی که نیرنگی در کار است.

در مسیحیت دروغ مصلحتی وجود ندارد. متأسفانه در کشور ما دروغ خیلی رایج است و ما به راحتی دروغ می گوئیم و براحتی قسم می خوریم و باز دروغ می گوئیم. ولی مسیح می گوید سخن شما راست باشد و نیازی به قسم^۴ نیست و اگر دیگران حرف شما را قبول نمی کنند مشکل آنهاست نه شما. بله ما بله باشد و نه ما نه.

ما باید یاد بگیریم روی تصمیماتی که می گیریم بیاستیم. من و صمیمی ترین دوستم که باهم توبه کردیم، او همیشه قبل از توبه اش قسم می خورد و ما در روزهای اول ایمانمان مقرر کردیم که هرکس از ما گناه خاصی را بکند مبلغی خاص به عنوان جریمه به کلیسا پول بدهد و در زمان کوتاهی قسم خوردن او به طور کامل از بین رفت. ما هیچ نیازی به قسم خوردن برای اثبات حرفهایمان نداریم. ما بعنوان مسیحیان باید حرف و عملمان یکی باشد.

گفته شده که اگر شخصی چشم کسی را کور کند، باید چشم او را نیز کور کرد و اگر دندان کسی را بشکند، باید دندانش را شکست. اما من می گویم که اگر کسی به تو زور گوید، با او مقاومت نکن؛ حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگر را نیز پیش ببر تا به آن نیز سیلی بزند. اگر کسی تو را به دادگاه بکشاند تا پیراهنت را بگیرد، عبای خود را نیز به او ببخش. اگر یک سرباز رومی به تو دستور دهد که باری را به مسافت یک میل حمل کنی، تو دو میل حمل کن. اگر کسی از تو چیزی خواست، به او بده؛ و اگر از تو قرض خواست، او را دست خالی روانه نکن.

این قسمت زیاد مورد سوء تفاهم بین دیگران شده است. ولی اگر خدا با ما بر حسب محبت و بخشش رفتار می کند نه انتقام و تلافی. چرا ما انسانها نباید بجای انتقام و تلافی همدیگر را ببخشیم؟

این قسمت نه تنها ضعف مسیحیت را نشان نمی دهد بلکه منحصربفرد بودن و برتری مسیحیت را. درحالیکه همه می گویند سیلی را باید با سیلی جواب داد، ولی مسیح راه دیگری دارد و آن راه محبت است.

اگر ما سیلی را با سیلی جواب دهیم هیچ مزیتی به سیلی زننده نداریم ولی محبت می تواند باعث توبه او گردد. البته این قسمت ربطی به دفاع از خود یا کشور ندارد، ما باید در مقابل متجاوزین بیاستیم اگر راهی برای صلح نبود ولی در مسائل شخصی همواره باید با محبت و بدون انتقام رفتار کنیم. ما باید بیش از آنچه دیگران از ما می خواهند انجام دهیم، چنین رفتاری ما را متمایز و مثل فرزندان خدا می سازد و ما را بسوی کامل بودن سوق می دهد. چون خدا گناهان عظیم ما را بخشیده

^۴ قسم در دادگاه مشکلی ندارد چون هم اطاعت از قانون کشور است (رومیان ۱: ۱۳) و هم گامی در جهت تحقق عدالت و حقیقت.

است ، ما هم همدیگر را ببخشیم و محبت کنیم.

سخن زیبایی است که می گویند "لذتی در بخشش است که در انتقام نیست." بیایید با این معیار زندگی کنیم.

شنیده اید که می گویند با دوستان خود دوست باش، و با دشمنانت دشمن؟ اما من می گویم که دشمنان خود را دوست بدارید، و هر که شما را لعنت کند، برای او دعای برکت کنید؛ به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکی کنید، و برای آنانی که به شما ناسزا می گویند و شما را آزار می دهند، دعای خیر نمایید . اگر چنین کنید، فرزندان راستین پدر آسمانی خود خواهید بود، زیرا او آفتاب خود را بر همه می تاباند، چه بر خوبان، چه بر بدان؛ باران خود را نیز بر نیکوکاران و ظالمان می باراند . اگر فقط آنانی را که شما را دوست می دارند، محبت کنید، چه برتری بر مردمان پست دارید، زیرا ایشان نیز چنین می کنند . اگر فقط با دوستان خود دوستی کنید، با کافران چه فرقی دارید، زیرا اینان نیز چنین می کنند .

مسیح در اینجا با اشاره به اینکه حتی دزدان و گناهکاران هم دوستان خود را دوست دارند ، معیار بلندتری را به ما معرفی می کند و می گوید اگر می خواهید از گناهکاران بهتر باشید ، حتی دیگرانی را که شما را دوست ندارند و حتی دشمنان هستند را نیز دوست بدارید . کسانی که شما را لعنت می کنند و از شما متنفرند دوست بدارید^۵ . اگر می خواهیم فرزندان خدا باشیم باید مطابق معیارهای او زندگی کنیم ، او خدای است که آفتاب و باران و رحمتهای خود را از گناهکاران دریغ نمی دارد .

پس شما کامل باشید، همانگونه که پدر آسمانی شما کامل است .

مسیح با اقتدار خداوندیش و تعالیم بی مانندش معیار عالی خدا را به ما معرفی کرد ، معیاری که از ما می خواهد تا حد کمالیت و تشبه به او رشد کنیم. محبت ، بخشش ، مهربانی ، صلح طلب بودن ، رحیم بودن ، پاکدل بودن ، نور و نمک بودن و مبارزه با خشم و شهوت و خودخواهی و نفرت و انتقام معیارهای هستند که او از ما می طلبد و تنها بوسیله قرار گرفتن در او می توانیم آنها را در زندگیهایمان عملی سازیم.

به خودمان بیاییم و بار دیگر زندگی و خدمات مسیحی خود را با این معیارهای مسیح مقایسه کنیم و توبه کنیم و به قوت روح القدس بر آن اساس زندگی کنیم.

بیایید مقدس ، رحیم و کامل باشیم همانطور که خدایم اینگونه است. دیگران را دوست بدارم و محبت کنم . در غمها و مشکلاتشان شریک باشم معیارهای خدا برای زندگی ما بلند است ولی با کمک او قابل دسترسی می باشد. خدمت تنها در حرف زدن نیست بلکه در زندگی بر طبق معیارهای خدا.

مسیح بالاترین معیار را به ما معرفی می کند ، کامل مثل پدر آسمانیمان . انسان به صورت خدا آفریده شد ولی در اثر گناه از آن دور شد ولی در مسیح عیسی ما دوباره خوانده شده ایم تا شبیه مسیح خداوند و پدر آسمانیمان باشیم و این کار را روح القدس در ما انجام می دهد .

برای تحقق این هدف در زندگیمان :

۱- باید کلام خدا را هر روزه بخوانیم و در اطاعت از فرامین آن با قوت روح القدس زندگی کنیم .

^۵ این محبت عجیب در قرن اول بود که روم را به زانو در آورد و این محبت بود که در قرن بیستم کمونیست را شکست داد.

- ۲- باید با خدا مشارکت صمیمانه در دعا داشته باشیم و اجازه دهیم خدای تغییرناپذیر ما را تغییر دهد و در دعا ما را به شکل خود سازد. ما اگر با خدا زندگی کنیم ، کم کم شبیه او خواهیم شد .
- ۳- همواره به خانه خدا بیاییم و در مشارکت با دیگر ایمانداران و فرزندان خدا با فروتنی اشتباهات خود را پذیرفته و خود را بیشتر اصلاح کنیم.